



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام مرتضی اسدیان	جلسه	۸۲	تاریخ	۱۴۰۱/۰۲/۲۸
عنوان اصلی درس	نماز مسافر				
عنوان دوم	شرائط وجوب تقصیر				
شرط اول	قطع مسافة				
شرط دوم	قصد مسافة				
شرط سوم	استمرار قصد				
شرط چهارم	سفر، سفر معصیت نباشد				
فروعات مسأله					

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين

فرع دیروز را امروز با ترتیب بهتری می خواهیم مطرح کنیم، چرا که بحث روز گذشته مقداری مشوش شد. گفتیم که فرع این است که مرحوم سید رحمته الله می فرماید:

«مسألة ۳۹: إذا نذر أن يتم الصلاة في يوم معين أو يصوم يوماً معيناً وجب عليه الإقامة، ولو سافر وجب عليه القصر على ما مرّ من أن السفر المستلزم لترك واجب لا يوجب التمام، إلا إذا كان بقصد التوصل إلى ترك الواجب، والأحوط الجمع»؛

بحث در این است که کسی نذر می کند صوم معینی را یا صلاة تمام را در روز معینی، اتفاقاً هم در آن روز معین، سفری اتفاق می افتد، حکم اولیه این است که مسافرت نرود. حالا اگر آن روز منذور اتفاقاً روز عرفه باشد که باید بخاطر سفر، نماز قصر خوانده شود و چون سفرش قطعی است، حکم نماز و روزه او چیست؟ بحث در اینجا است.

برای اینکه جواب بحث معلوم شود، بحث را در پنج بخش ادامه می دهیم.

بخش اول: کلام در آنجایی است که اصل نذر صحیح باشد، اگر نذر از اساس باطل بود، یعنی اگر کسی نذر کرده است که روز عید فطر روزه باشد یا نذر می کند که از ابتدا در روز معین عرفه، نماز را تمام بخواند، در این حالات اصلاً نذر منعقد نمی شود. و اگر در عید فطر روزه بگیرد، همچنین اگر در روز عرفه نماز را تمام بخواند، در هر دو صورت این نماز و روزه باطل است.

بخش دوم: صوم در سفر مطلقاً جایز نیست، چه صوم فریضه و چه ندبی؛ مگر اینکه قید کند که به خصوصه در حال سفر روزه بگیرد که این بحث دیگری است. در روایتی مثل موثقه عمار ساباطی، داریم که صوم در سفر اساساً معصیت است:

«أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَارِ السَّابَاطِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَقُولُ لِلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أَصُومَ شَهْرًا أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ فَعَرَضَ لَهُ أَمْرٌ لَا بُدَّ لَهُ مِنْ أَنْ يُسَافِرَ أَوْ يُصُومَ وَهُوَ مُسَافِرٌ قَالَ «إِذَا سَافَرَ فَلْيُفْطِرْ لِأَنَّهُ لَا يَحِلُّ لَهُ الصَّوْمُ فِي السَّفَرِ فَرِيضَةً كَانَ أَوْ غَيْرَهُ وَالصَّوْمُ فِي السَّفَرِ مَعْصِيَةٌ»؛

بخش سوم: سفری که به ترک واجب منجر شود که خودش چند نوع است.

نوع اول این است که سفر، مقارن ترک واجب باشد، تلازمی نیست بلکه تقارن وجود دارد. مثل کسی که به سفر می‌رود و ترک صلاة در سفر می‌کند، یا شرب خمر می‌کند. این سفر، سفر معصیت نیست، چون این سفر هیچ تلازمی با معصیت ندارد و نمازش قصر است.

نوع دوم سفری که به ذاته مشتمل بر معصیت باشد، مثل اینکه خود قطع طریق که همان ماهیت سفر است غصبی و حرام باشد، که در اینصورت نماز تمام است.

نوع سوم: سفری که غایت آن حرام باشد، مثل اینکه سفر می‌کند برای این که مرتکب زنا شود. در این صورت سفر معصیت است و نماز تمام است.

نوع چهارم این که سفر متوقف بر فعل حرام باشد، یعنی این که فعل حرام، مقدمه سفر باشد نه خود سفر. مثل این که دزدی می‌کند تا پول سفرش تامین شود، در اینصورت خود سفر معصیت نیست و نماز قصر است.

نوع پنجم: سفری که مستلزم ترک واجب باشد که قابل انفکاک با سفر نباشد. این سفر، تلازم با فعل حرام یا ترک واجب دارد. مثل اینکه سلطان جائری، عده ای را با خود به مسافرت ببرد. این صحبت و همسفری که حرام است چیز جدایی از سفر نیست. و به دید عرف هر دو یک عمل است. این سفر معصیت بوده و نماز تمام است. این فرع با فرع چهارم فرق دارد، در فرع چهارم خود قطع المسافه غصبی و حرام بود، اما اینجا خود قطع المسافه حرام نیست، ممکن است با ماشین خودش در حال مصاحبت با جائر به مسافرت برود.

بخش چهارم: بحث ما در همین قسم پنجم است. اینجا چند فرض وجود دارند.

فرض اول: اینکه در این سفری که نذر کرده است روزه بگیرد، خود سفر ملازم با ترک واجب یا ارتکاب معصیت باشد. کسی که نذر کرده است هر پنجشنبه روزه بگیرد، در صورت سفر در یکی از روزهای پنجشنبه این سفر مستلزم ترک واجب است، چرا که سفر او معادل ترک صوم صحیحی است که باید در وطن می‌گرفت و فقط با صوم صحیح است که وفای به نذر محقق می‌شود. پس خود سفر حرام می‌شود چون ترک واجب کرده، و چون صوم در سفر صحیح نیست

چنین کسی حنث نذر کرده و کفاره دارد. بلکه اگر سفر در ماه رمضان واقع شود، بخاطر دلیل خاص روزه او صحیح است و قضا ندارد.

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: لَا يُفْطِرُ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَّا فِي سَبِيلِ حَقٍّ»؛

فرض دوم: کسی که نذر صوم کرده، اگر مضطر به سفر شود یا کسی که نذر نماز تمام کرده، مضطر به قصر شود، حال چه اضطرار تکوینی باشد (مثل اینکه نذر صوم روز خمیس کرده، و اتفاقاً شخص در آن روز زندان شود) چه اضطرار شرعی (مثل اینکه نذر کرده پنجشنبه ها هم روزه بگیرد و هم نماز را تمام بخواند، بعد یکی از پنجشنبه ها در روز عرفه بیفتد)، در اینصورت، اضطرار، کشف می کند که از اول، نذر در مورد این روز منعقد نشده، طبق اینکه نذر نسبت به کل ایام انحلالی است و به ازای هر پنجشنبه یک نذر وجود دارد. و چون چنین نذری منعقد نشده، حنث نذری هم اتفاق نیفتاده است چون خود شارع اجازه نماز تمام و صوم در سفر را نداده است. عدم انعقاد نذر در این روز مثل این است که از اول نذری کرده است که نسبت به آن قدرت ندارد چه شرعی و چه تکوینی، و نذر این چنینی که قادر به آن نیست اصلاً صحیح نیست و منعقد نمی شود.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ